

تقرير مقررین سامانه فقاہت از درس خارج فقه استاد سيد كاظم مصطفى؛
1399/04/22



موضوع: كتاب الطهارة/أحكام الأموات /بحث و تحقيق درباره‌ی ذنوب و توبة از ذنوب و مساله اول از مسائل مربوط به أحكام أموات

بحث و تحقيق درباره‌ی ذنوب و توبة از ذنوب

نكات تكمیلی - أقسام ذنوب -

مرحوم كلینی. بَابُ فِي أَنَّ الذُّنُوبَ ثَلَاثَةٌ. این بحث ما طبیعتاً بحث روایی هست. روایت سندش درست است هرچند که مرفوعه است. متن روایت: این حدیث از امام علی علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: صَدَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بِالْكُوفَةِ الْمَذْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الذُّنُوبَ ثَلَاثَةٌ ثُمَّ أَمْسَكَ فَقَالَ لَهُ حَبَّةُ الْعُرْنِيِّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتَ الذُّنُوبَ ثَلَاثَةٌ ثُمَّ أَمْسَكَتَ فَقَالَ مَا ذَكَرْتَهَا إِلَّا وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَفْسِّرَهَا وَ لَكِنْ عَرَضَ لِي بُهْرٌ حَالٌ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْكَلَامِ نَعَمْ الذُّنُوبُ ثَلَاثَةٌ فَذَنْبٌ مَغْفُورٌ وَ ذَنْبٌ غَيْرٌ مَغْفُورٌ وَ ذَنْبٌ نَزَجُو لِصَاحِبِهِ وَ خَافُ عَلَيْهِ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَبَيَّنْهَا لَنَا قَالَ نَعَمْ أَمَّا الذَّنْبُ الْمَغْفُورُ فَعَبْدٌ عَاقَبَهُ اللَّهُ عَلَى ذَنْبِهِ فِي الدُّنْيَا فَاللَّهُ أَحْلَمُ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُعَاقِبَ عَبْدَهُ مَرَّتَيْنِ وَ أَمَّا الذَّنْبُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَمَطْلَمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا بَرَزَ لِخَلْقِهِ أَقْسَمَ قَسَمًا عَلَى نَفْسِهِ فَقَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَجُوزُنِي ظُلْمُ ظَالِمٍ وَ لَوْ كَفَّ بِكَفٍّ وَ لَوْ مَسَحَتْ بِكَفٍّ وَ لَوْ نَطَحَتْ مَا بَيْنَ الْقُرْنَاءِ إِلَى الْجَمَاءِ فَيَقْتَتِلُ لِلْعِبَادِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ حَتَّى لَا تَبْقَى لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ

مَظْلَمَةٌ ثُمَّ يَبْعَثُهُمْ لِلْحِسَابِ وَ أَمَّا الذَّنْبُ الثَّلَاثُ فَذَنْبُ سَتَرِهِ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ رَزَقَهُ التَّوْبَةَ مِنْهُ فَأَصْبَحَ خَائِفًا مِنْ ذَنْبِهِ رَاجِيًا لِرَبِّهِ فَنَحْنُ لَهُ كَمَا هُوَ لِنَفْسِهِ نَرْجُو لَهُ الرَّحْمَةَ وَ نَخَافُ عَلَيْهِ الْعَذَابَ. [1] قسم اول أَمَّا الذَّنْبُ الْمَغْفُورُ فَعَبْدٌ عَاقَبَهُ اللَّهُ عَلَى ذَنْبِهِ فِي الدُّنْيَا فَلِلَّهِ أَكْلَمُ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُعَاقِبَ عَبْدَهُ مَرَّتَيْنِ ذَنْبُ ذَنْبِ مَغْفُورِ ذَنْبِي است که خداوند بر اثر این ذنب یک عقابی در همین دنیا برایش می دهد. یک نکته ضمنی استفاده شد که گناه اثر سوء برای آدم دارد. آن هم گناه خوب که قابل مغفرت باشد. گرفتاری برای آدم می آورد. قسم دوم وَ أَمَّا الذَّنْبُ الَّذِي لَا يُغْفَرُ فَمَظَالِمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ این ذنب دومی که قابل مغفرت نیست. ظلم هایی که بندگان خدا بعضی نسبت به بعضی دیگر انجام می دهند. این قابل مغفرت نیست. وَ أَمَّا الذَّنْبُ الثَّلَاثُ فَذَنْبُ سَتَرِهِ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ رَزَقَهُ التَّوْبَةَ مِنْهُ فَأَصْبَحَ خَائِفًا مِنْ ذَنْبِهِ رَاجِيًا لِرَبِّهِ فَنَحْنُ لَهُ كَمَا هُوَ لِنَفْسِهِ نَرْجُو لَهُ الرَّحْمَةَ وَ نَخَافُ عَلَيْهِ الْعَذَابَ. قسم سوم گناهی است که امید به عفو و بخشش وجود دارد گناهی است که انسان آن گناه را گویا مستور بدارد و توبه کند، توفیق توبه داشته باشد. آن گناه، گناهی است که امید مغفرت در آن وجود دارد. این سه قسم را امیرالمومنین طبق این روایت به عنوان اقسام ذنوب فرموده اند.

نکات تکمیلی - آثار ذنوب -

اصول کافی - بَابُ تَعْجِيلِ عُقُوبَةِ الذَّنْبِ- روایت 7 و 9. متن روایت: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيْسَى بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُوسَى الْجَوَّاقِ عَنْ عَلِيِّ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا يَزَالُ اللَّهُمَّ وَ الْعَمُّ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى مَا يَدْعُ لَهُ ذَنْبًا. [2] از امام باقر علیه السلام آمده است. سند خوب است. یعنی انسان مومن در هم و غم گرفتار است تا وقتی که گناه را کنار بگذارد. هم و غم در اثر گناه بوجود می آید. روایت بعدی هر چند که مرسله است اما مرسله ابن ابی عمیر از امام باقر علیه السلام است. متن روایت: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَا يَزَالُ اللَّهُمَّ وَ الْعَمُّ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى مَا يَدْعُ لَهُ مِنْ ذَنْبٍ. [3]

روایت بعدی، بَابُ فِي تَفْسِيرِ الذُّنُوبِ بَابُ فِي تَفْسِيرِ الذُّنُوبِ. متن روایت: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ الْبُغْيَ - وَ الذُّنُوبُ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ الْقَتْلُ وَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّقَمَ الظُّلْمُ وَ الَّتِي تَهْتِكُ السَّتْرَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ الَّتِي تَحْبِسُ الرِّزْقَ الزِّنَا وَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَ تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ. [4] ظلم را برخی ممکن است که احتمال بدهند که مال حاکمان ظالم است. مال ظالمان است. نه . ظالم، شما در خانه یک فرد کوچکتر از خودتان دارید. یک فردی زیردست خودتان دارید در خانه تان از باب مثال. اگر حقش را نادیده بگیرید و به او ظلم کنید تُنْزِلُ النَّقَمَ الظُّلْمُ. نعمت ها را نازل میکند. وَ الَّتِي تَهْتِكُ السَّتْرَ آن چیزی که آدم را رسوا می کند چیست؟ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ الَّتِي تَحْبِسُ الرِّزْقَ الزِّنَا وَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَ تُظْلِمُ الْهَوَاءَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ. دعای انسان رد می شود و هوای انسان ظلمانی میشود، عقوق والدین است. متن روایت بعدی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا

عَبْدُ اللَّهِ ع يَقُولُ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تُقَرِّبُ الْآجَالَ وَ تُخْلِي الدِّيَارَ وَ هِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْعُقُوقُ وَ تَرْكُ الْبِرِّ. [5] سند معتبر است و اسحاق ابن عمار خودش توثیق دارد و مروی عنه ابن محبوب هم هست. سند معتبر است. قطیعه رحم گاهی مسامحه میشود. انسان گاهی به اقوام و رحم های خودش سری نمی زند. قطع کردن رحم به چه معناست؟ یعنی نه احوال پرسى و نه خبرگیری و نه مساعدت و نه دعا؟ در روایات آمده است اقل صله رحم دعا برای اقوام است. احوالش را پیرسید انشالله کافی باشد. نیازی دارد از دست ما کاری برمی آید کمکش کنیم. نکته سوم در این روایت این است که وَ هِيَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ وَ الْعُقُوقُ وَ تَرْكُ الْبِرِّ. ترک البرّ یعنی اینکه برخی فکر میکنند برای خودشان هستند و در این دنیا فقط خودش است و زندگی خودش. دیگران هیچ سهمی ندارند. شعراء می گویند: تو کز مهنت دیگران بی غمی/ نباید که نامت نهند آدمی. ترک برّ یعنی به کسی خوبی نمی کند تعاملی بر برّ ندارد. ببیند جایی کاری خوب و انسانی و مذهبی و علمی و مسجدي یا غیره و غیره انجام میشود و از دستش برمی آید ولی توجهی نمی کند. مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ تُقَرِّبُ الْآجَالَ وَ تُخْلِي الدِّيَارَ.

نکات تکمیلی - آثار استغفار-

بَابُ الْإِسْتِغْفَارِ مِنَ الذَّنْبِ حدیث شماره 2 و 3 و 5 و 9. متن روایت: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً أَجَلَ فِيهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ فَإِنْ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ. [6] در این حدیث مرده ای است. سند درست است. روات از أجلاء و ثقات اند. کسی که گناهی انجام بدهد برایش هفت ساعت مهلت داده میشود. اگر قبل از 7 ساعت آن ذکر استغفار را 3 بار بگوید آن سیئه برایش نوشته نمی شود. از قران هم بگویم. ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [7]

فرق بین توبه و إنابة

در بحث تعریف، تعریف توبه را که گفتیم حقیقتها الندم. رجوع إلى الله. انابة هم آمده است به معنای رجوع إلى اللع بالتوبة. با جمع بندی و تناسب معنا این میشود که توبه یک عمل قلبی است که در تن آمده است. و إنابة رجوع عملی است که در عمل برگردد به سوی خدا. حال اگر در مناجات امام سجاد علیه السلام مناجات الطالبین، سند سند سجادیه هست و فوق اعتبار. چندتا کتاب نیاز به سند ندارد 1- نهج البلاغه 2- صحیفه سجادیه. این دوتا کتاب هرچند از حیث سندی هم اعتبارش کامل است ولی نیاز به سند ندارد برای اینکه متونی که در نهج البلاغه است تعبیرش، دهنی چون پهنای فلک میطلبد و از قدرت انسان عادی بالا. و برتر است. لایصدر إلا من إنسان الكامل. صحیفه سجادیه هم همینطور است. ادعیه امام سجاد با آن بافت و آن محتوا بالاترین متن عرفانی در جوار عرفان و سلوک ادعیه صحیفه سجادیه است. درست هم هست. آمده است از امام العارفین سیدالساجدین. در آخر هان مناجات الطائبین آمده است که وقتیکه خداوند درب توبه را باز گذاشته است، اگر

کسی غفلت کند و از این درب وارد نشود دیگر عذری ندارد. [8] [9] بنابراین باب توبه و إنابة باز است و انسان عابد و مومن همیشه باید به توبه و استغفار توجه داشته باشد. یک ذکری که از مجموع ادله و نصوص استفاده میشود که نقش استغفار دارد ذکر صلوات بر محمد و آل محمد است. خدایا گناهان همه ما را ببخش و بیامرز.

مسالقه اول از مسائل مربوط به أحكام الأموات

بعد از اینکه توبه و اقسام ذنوب و آثار ذنوب و آثار استغفار گفته شد سید طباطبایی باز هم مساله اول را تقریباً مرتبط با بحث تربیتی اعلام میدارد و میفرماید: مسالقه ۱: یجب عند ظهور أمارات الموت أداء حقوق الناس الواجبة و ردّ الودائع و الأمانات التي عنده مع الإمكان، والوصية بها مع عدمه مع الاستحکام على وجه لا يعترضها الخلل بعد موته. [10] گفتم که حقوق 3 قسم است. اینجا هم حقوق ناس را 3 قسم گفته است. بنده حقیر خدا هم گفتم که حقوق به طور کل 3 قسم است. 1- حق الله مثل صوم و صلاة. 2- حق الناس مثل دیون 3- حق مشترک مثل زکات و خمس. که هم دستور شرعی دارد و حق الله است و هم حق الناس. در این رابطه یک مطلبی را شنیده اید و احياناً خطابه ای هم به گوشتان رسیده باشد که ادم به فکر حق الناس باشد، حق الله مشکل خاصی ندارد و خدا أرحم الراحمين است. الان گفته میشود که بعکس ذات استعملوه فانتبه. یک آدم عادی از دیدش حق الناس مهم است ولی برای ادم خواص و در دیدشان حق الله مهم است برای اینکه اگر کسی با سلوک واقع بشود و وارد بشود حق الله مهم است آن همه نعمتی که داده است ﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾. [11] خدا داده است. و آن همه عنایتی که دارد آن همه شایستگی برای عبودیت که دارد. پس حق خدا سزاوارترین حق است. طغیان در برابر باری تعالی نباید کرد. از منظر خواص حق الله مهمتر از حق العبد است. و از نظر عموم حق العبد بالاتر از حق الله است. اما سید طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه به حقوق عباد یا حق الناس اشاره میکند که به 3 قسم است. البته از بیان ایشان استفاده میشود. 1- حقوق ناسی که وجوب ردّ فوری دارد و قابل إمحاء و قابل ایصاء و وصیت نیست مثل مال غصبی. مثل دیون. اینها از جمله حقوقی است که باید برگردانده بشود. مهلت ندارد. فوری فوری است. از باب همان قاعده عدم جواز تصرف در مال غیر و قاعده وجوب تخلیه بین مال و مالک. طبق قاعده است بلکه متسالم علیه است. 2- قسم دوم از حقوق ناس را میفرماید که حقوقی است که این حقوق مغلقی دارد. مثل ودایع و امانات. یک وقتی مالکش اجازه داده است که پیش شما بماند. این امانات و ودایع هم باید أداء بشود ولی وجوب أداءش فوری نیست براساس إذن مالکی. و این دسته از حقوق آیا قابل وصیت هست یا قابل وصیت نیست؟ طبق قاعده این قسم دوم از حقوق قابل وصیت نیست. چرا؟ برای اینکه امانتی را که کسی پیش کسی دیگری میگذارد به او وثوق و اطمینان دارد اما به کسی دیگری اطمینان و وثوقش ثابت نیست. لذا اگر امانت را وصیت کند که به دست شما بماند به صاحبش برگردانید این امانت بوصیت خضوع نمی کند. باید تا در حال حیات سلامت باشد که امانت را نگه دارد. وقتی که امارات موت دیده شد باید به مالکش برگرداند. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ [12] امانات را باید به اهلش برسانید. 3- قسم سوم حقوق الناسی است که وجوب حفظ و وجوب أداء و إعطاء برای مالک دارد ولی در وصیت خاصی است که به آسانی قابل أداء به مالک

نیست مثل اموال مجهول المالک. این اموال مجهول المالک و امثال آن و لُقطة که به اصطلاح فارسی چیزی را که انسان پیدا کند و بجوید. اینها میشود از امانات. امانات شرعیه است. امانت چند قسم هست 1- امانت مالکیه. 2- امانت معاملیه 3- امانت شرعیه. توضیح: امانت مالکیه این است که مالک مال یک شیء ای را مثلاً کتابی را نزد شما به امانت بگذارد. قسم دوم امانت معاملیه که در اجاره یک مسکن خود آن ساختمان عین مستأجره امانت است منتهی امانت معاملیه یا امانت ضمنیه. قسم سوم امانت شرعیه است که نه مالک مستقیم اجازه میدهد و نه در ضمن معاملات هست. اتفاق می افتد. میشود امانت شرعیه مثل مجهول المالک یا لقطه بعد از وضع ید. این امانت شرعیه که از سوی شرع یک امانتی است در نزد مکلف حکمش چیست؟ 1- حفظ 2- اگر هزینه ای در کار باشد برای حفظ باید هزینه کنند ولی بعداً از مالک دریافت کنند. و این فردی که امانت مالکیه دارد در قبض ضامن نیست. چون که از باب قاعده احسان قبض میکند. اما ردّ این امانت به صاحبش طرق مختلفی دارد که أقوى الطرق یا أحوط الطرق این است که به حاکم شرع داده شود که او این مال را به عنوان امانت شرعیه حفظ کند تا مالکش برسد. این اقسام امارات گفته شد. قسم سوم را که گفتیم قابل وصیت هم هست که وصیت کند تا به حاکم شرع رسانده شود.

نکته اصلی که گفته شد این است که امارات موت زمینه و شرط ادای حقوق نیست بلکه منتهای عمل است. عمد ادای حقوق به انتها میرسد و دیگر بعد از آن فرصتی ندارد و باید این حقوق در آخرین لحظات زندگی و عند وقوع امارات موت به صاحبانش ردّ بشود و داده بشود تا اینکه از مسئولیت بیرون بیاید.

سلامتی آقا امام زمان صلوات ختم کنید.

[1] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 443.

[2] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 445.

[3] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 446.

[4] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 447.

[5] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 448.

[6] الکافی- ط الاسلامیه، الشیخ کلینی، ج 2، ص 438.

[7] انفال/سوره 8، آیه 33.

[8] صحیفه سجادیه، انصاریان، حسین، ج 1، ص 90.

[9] صحیفه سجادیه، انصاریان، حسین، ج 1، ص 76 و 229.

[10] العروة الوثقی، الطباطبائی الیزدی، السید محمد کاظم، ج 1، ص 278.

[11] ابراهیم/سوره 14، آیه 34.

[12] نساء/سوره 4، آیه 58.